

بِیداری

دستگاه کلیسا
مرگبار ترین دشمن
علم است
تامس ها کسلی

شماره ۹ - سال دوم بهمن ۸۳ - ژانویه ۲۰۰۵

نشریه کانون فرهنگی خرافه زدایی
زیر نظر شورای نویسنده‌گان

فرآورد ۵۵ اسلام ناب
محمدی «فحشا»
در ایوان بیداد
می‌کند

بهای بیداری در صفحه‌ی آخر

ای زنان درد شما را به هنگام زایمان به شدت چندین سخنان گهربار خداوند در انجلی برابر خواهم کرد.

زنان ناقص ایمان، ناقص بخت و ناقص عقل هستند.
سخنان گهربار حضرت علی !!! در نهج البلاغه

سرمقاله

اخلاق دینی یا اخلاق انسانی؟

دانشمندان بدین باورند که در دوره پارینه سنگی و نوستنگی که انسانها بصورت گروههای کوچک و در پناه غارها و تخته سنگها زندگی می‌کردند در بین گروه آنکه از همه قوی‌تر و تنومدتر بود حاکم بود و هرچه او میخواست و می‌گفت نمونه و سرمشق اخلاقی گروه قرار گرفته و تبعیت از او لازم و اجباری و اطاعت نکردن از او مجازات و کیفر مرگ همراه داشت. داروین دانشمند مشهور انگلیسی اخلاق اکولوژیک را پی‌ریزی کرد و اعلام نمود که همه جانوران که بصورت گروهی و جمعی زندگی می‌کنند از نوعی اخلاق اجتماعی پیروی می‌کنند. مشخص شده است که اخلاق عاطفی ما میراث تکامل جانوری ما بوده و از این‌رو داوریهای ما آنی، بی درنگ و در بیشتر اوقات مستقل از اراده و نیت‌ما می‌باشد. بتدریج با تکامل جوامع بشری اخلاقیات اجتماعی به موازات اخلاقیات عاطفی برپایه تعقل و بر اساس معیارها و ارزش‌هایی که اجتماع متناسب با باورهای

زیانی را که ایرانیان از داستانهای عاشورا و اربعین و غیره دیده‌اند به مراتب بیشتر از آسیبی است که ژاپنی‌ها در هیروشیما از بسم اتمی نصیشان شد

رسانه‌های همگانی، یا مسجد و دیر و گنشت

رسانه‌های گروهی در بروان از مرز ایران، اعم از رادیو، تلویزیون، روزنامه، هفتنه نامه، ماهنامه و فصلنامه، که در ظاهر برای ارشاد ما به وجود آمده‌اند، در بیش از نود درصد موارد نه تنها در خدمت تبلیغ صاحبان حرفه و فن و کسب و کارند بلکه در زیر فرمان و دستور تبلیغ دهنده‌گان به نوعی فلاکت شغلی رسیده‌اند.

بی‌تر دید پخش آگهی در هرگونه رسانه، کاری قانونی و مشروع است زیرا در این دیار منبع درآمد و مدد حیات رسانه‌ها همین تبلیغات است. اما مشکل در اینجاست که رسانه داران از هر نظر پیرو و مطیع اربابان آگهی می‌شوند و بنابر غربت و میل مذهبی یا سیاسی آنان برنامه‌هایی را تنظیم و پخش می‌کنند که در این برده جز رسوایی نامی دیگر برآن نمی‌توان نهاد.

به درستی می‌توان گفت گردانندگان اغلب این رسانه‌ها بیشتر آخوند مسلک هستند تا راهنمای و مرشد اندیشه و خرد.

بقیه در صفحه‌ی ۳

- در صفحات داخل می‌خوانید:
- مقدسات یا مزخرفات
- پیامبران راستین یا...
- فربنکاری‌های دین
- فرهنگ‌کشтар یا زندگانی
- دین چیست
- آقای پشتیبان اسلام
- ادعای درست مسلمانان
- نامه‌های خوانندگان

شماره ۱۰ بیداری، شماره ویژه ۵ است که شما را بسیار شادمان و اسلام پناهان را بسیار نگران خواهد کرد. از تهیه شماره ۱۰ بیداری کوتاهی نکنید

وارد شوم که جنائزه‌ای افتاده باشد ابتدا او را معاینه می‌کنم تا ببینم مسلمان است یا نه (یعنی ختنه شده است؟) اگر مسلمان بود یعنی فقط ختنه شده بود نمازی بر او میخوانم و به خاک می‌سپارم ولی اگر مسلمان نبود یک لگد بر او میزنم که بدرک واصل گردد (اخلاق اسلامی) من از مُفَضَّل این قصه مُجملی گفتم

تو خود حدیث مفصل بخوان ازاًین مُجمل اخلاق دینی سراسر ریاکاری، ترسانیدن، تهدید و دروغ بوده و اخلاق انسانی تنها راه رهایی از بن بست های پُر پیچ و خم اجتماعی و مشکلات عدیده زندگی می‌باشد که می‌بایستی جایگزین اخلاق دینی گردد.

دکتر احمد ایرانی

مقدسات مردم یا مزخرفات آخوندی

این روزها زمانی که روشنگران جامعه حقایق مذهبی را با مردم خرافات زده در میان می‌گذارند و می‌کوشند تا آنان را از خواب هزار ساله بیدار کنند دکانداران دین می‌گویند: «آقا! به مقدسات مردم توهین نکنید». دو واژه « المقدسات مردم» چیزی جز اختراع آخوند دین فروش نیست. از ملایان باید پرسید چه چیزی مقدس است و از کدام مردم سخن می‌گویید؟

آیا گورهایی که فریب دهنگان مردم نادان در مشهد، قم، کربلا و سایر جاهای ساخته‌اند مقدس هستند؟ به چه دلیلی مقدسند؟ چه معجزه‌ای از آنها سر زده است؟ آیا آدم‌هایی که در این شهرها و سایر جاهای بگور سپرده شده‌اند آدم‌هایی مقدس بوده‌اند؟ آیا گور پرستی باید امری مقدس شمرده شود؟ گور پرستی چه دردی از دردهای انسان را درمان کرده است؟

پرسش دوم از آخوندها این است که از کدام «مردم» سخن می‌گویید؟ از مردم ناآگاه، مردم خرافات زده یا آن مردم که آنان را فریب داده‌اید؟

دوران فربیکاری و روی آوردن به واژه‌هایی چون « المقدسات مردم» مدت‌هاست که به پایان رسیده است. از دید انسان آگاه و باشурور چیزی « المقدس» نیست. زیرا «تقدس» چیزی جز تعصب به بار نمی‌آورد. تعصب نیز سرچشمه آدم کشی و وحشیگری است. مردم آگاه و با شعور، مردمی که با تاریخ، علم و منطق آشنا هستند چیزی را مقدس نمی‌دانند. آدم‌هایی که هزاران سال پیش مرده‌اند و از آنان به عنوان امام یا رهبر مذهبی یاد می‌شود نه کتاب با ارزشی نوشته‌اند، نه بیمارستان یا دانشکده‌ای ساخته‌اند و نه درس با ارزشی به سایر انسان‌ها داده‌اند. این آدم‌ها هرگز در دوران زندگی خود مقدس یا نمونه‌ای از انسان خوب نبوده‌اند. آنچه به آنان پس از مرگ نسبت داده شده همگی جعلی و ساخته دکانداران مذهب است.

مرده پرستی و گور پرستی هرگز نمی‌تواند « المقدسات مردم» شمرده شود. بیایید ارزش‌های انسانی به مانند راستی، درستی، دلیری، پاکی، دادگری و مانند آنها را جانشین دست آویز ملایان یا « المقدسات مردم» کنیم. آنچه برای آخوند مقدس است برای ما با ارزش نیست و آنچه از دید مردم نادان مقدس است برای آگاهان پژیزی ارزش ندارد.

اسطوره‌ای، پندارهای دینی و قوانین مدنی حاکم معمول داشته است استوار گشتند، «خوب و بد درست و نادرست» که ارزش‌های جهانی فرا نژادی، فرقه‌ای و فرا دینی هستند غالباً توسط دین و سیاست و متناسب با نیاز آمران و سردمداران دین و حاکمان وقت تعبیرهای گوناگون می‌یابند، آنچه را که یک مذهب می‌پذیرد و خوب میداند، مذهب دیگر ناپسند می‌شمارد، و در باره انجیزه اخلاقی دین موضوع آمرزش و پاداش بهشت و کیفر جهنم را دلیل بر انجیزه اخلاقی بودن و اخلاقی عمل کردن میدانند و بطور کلی در ادیان ابراهیمی تقوی و فضیلت دینی و پاره‌ای از عادات و رسوم قبیله‌ای سامیان پایه و اساس اخلاق گردید، متولیان دین با ابداع فرهنگ لغات، اخلاقی ویژه خود (گناه و ثواب و پاداش و غیره) استبداد و جبر دینی را معمول داشتند، هر دینی تنها خود را برق و مُرسل خواند و دگر اندیشه را مطرود اعلام کرد و هرکسی را که به پندار و اندیشه دیگر بود کافر و مشرک و مُلحد خواندند در اینجا شاید بجا و مناسب باشد که نمونه زبانی را که استاد سخن پارسی سعدی شیرازی در گلستان همیشه جاوید خود آورده است به عنوان یک اخلاق دینی یادآوری کنیم. میفرماید

یکی یهود و مسلمان نزاع می‌کردند چنانکه خنده گرفت از حدیث ایشانم به طیره گفت مسلمان گراین قبله من درست نیست خدا یا یهود میرانم یهود گفت به تورات میخورم سوگند وَّگر خلاف کنیم همچو تو مسلمانم

گر از بسیط زمین عقل منعدم گردد بخود گمان نبرد هیچ کس که نادانم در این نزاع مسلمان، یهودی بودن را از بزرگترین گناه و کفر میدانسته و یهودی نیز مسلمانی را برای خود خسروان جبران نایبزیر، اینها نمونه‌ای از اخلاق دینی است که به مرور زمان در اثر تلقین و تکرار بصورت باور در ضمیر انسانها جای گرفته است. اما قرن ییستم و بیست و یکم که در آستانه آن هستیم سده‌های تنوع اندیشه و تفکرات انسانی و بگفته دیگر قرن پلورالیسم است، پذیرش اخلاقیات و فرهنگ‌ها و رای قومیت، ملیت، نژاد و مذهب است ولی سالهای پایانی قرن ییستم متأسفانه با بروز انقلاب اسلامی در ایران و پاره‌ای از کشورهای خاورمیانه رجعت به اصول بنیادی و سنت‌های عشیره‌ای اقوام سامی شیوع یافت و سردمداران انقلاب اسلامی خواستار صدور ایدئولوژی خویش به سرزمین‌های دیگر شدند و این ایدئولوژی هم چیزی بجز ضدیت با تمدن غرب و نفوذ و فرهنگ غرب نیست که غیر از اعمال تروریستی، سر بریدن انسانهای بی‌گناه دست آور دیگری نداشته است. در روزگاری که ایران به رهبری خمینی در تب و تاب انقلاب می‌سوخت و مردم در خیابانها نعروه مرگ برآمریکا مرگ بر روسیه مرگ بر اسرائیل و مرگ بر انگلیس سر میدادند و بر سر هر کوچه و گذری از شهرهای ایران نام آدم کشی از مصر و فلسطین و ایرلند می‌نها دند اخلاق عاطفی و هیجانی خود را بروز میدادند بسیاری از صاحب نظران براین باورند که در فرهنگ ایرانی همه چیز در سیلاب عاطفی در می‌غلطد که سریع و گذرا هستند و کمتر پشتونه عقلی و منطقی دارند در نمونه دیگری از اخلاق دینی یکی از اساتید دانشگاههای ایران در یکی از تأثیفات خود (پیغمبر دزدان) از قول مُدرس روحانی زمان رضا شاه نقل می‌کند که گفته است «من اگر بجایی

رسانه‌های همگانی، یا مسجد و دیر و کنست؟

بچه از صفحه‌ی ۱

این رسانه‌های گروهی اندک مایه که بعضی حتا در قرائت و تحریر هم می‌لنگند و سخنان و نوشته‌هایشان نشان از عدم آگاهی آنها در هر زمینه دارد، تنها در یک چیز هم رای و هم اندیشه هستند، و آن هم از یاد نبردن روزها و تاریخ‌های است که در تقویم ادیان آمده است.

این مدیران و مؤسسان و نویسندهای همان نیت را عملی می‌کنند و از طریق ماهواره همان ارجیف را به روشنی دیگر، به شنود و دید مردم می‌رسانند و خوشنودی همان جنایتکاران در درون ایران را فراهم می‌سازید؛ کار کرد شما نشان میدهد که شما فربیکارید. زیرا در همان حال که نه ردای خاخام و کشیش و ملا و مبلغ بهائی را بر تن و نه الزامی بهاین کارها دارید؛ و در همان زمان که در گفتار تان و یا از راه خامه تان دم از جدائی دین از ارکان زندگی اجتماعی زده و آن را احوال شخصی فریاد می‌زنید، رادیو و تلویزیون‌ها و دست نوشته‌هایتان را به محراب مسجد و کلیسا و کنست تبدیل کرده‌اید! شما با این رفتار و کردار تان، خواسته و ناخواسته مبلغانی برای ادیان شده‌اید؛ تنها به این نیت تجاری که معتقدان صاحب حرفة و فروشندهای کالا، در مقابل این خوشخدمتی به شما آگهی بدنهند و کسبتان را پُر رونق سازند؛ و شاید گوشی چشمی هم به آن قوم‌الظالمین برای روز مبادا داشته باشد.

ماه رمضان، عید رمضان و عید قربان که پایه‌اش بر روی ناسیونالیسم عربی است و یا تولد و مرگ سران اقوام عرب عربستان، به من فارس و گُرد و لُر و گیلک و آذری چه ربطی دارد تا برایشان شادی کنم و یا نوحه سردهم...

سخنانی که انسان را به شگفتی و امیدارد، تا کی ما باید پیرو گذشتگانی در اعماق زمان باشیم که کل سواد و دانش شان در حدود دانش آموزان کلاس سوم متوسطه امروز هم نبوده است.

بیشتر ما با پذیرش رنج و محنت فراوان و گاه با روزها و شبها راه پیمایی در کوه و کمر، از چنگال خمینی و دین و مذهبش فرار کردیم و آواره شدیم، از دیو و دد ملول و در پی انسان می‌گشتم تا پس از این منابع فیاضی که ترشحات دین است بهره مند نباشیم و آلوهه‌ی این موهومات نشویم؛ و اگر قادر به دست کشیدن از اوهام نیستیم، دستکم از تظاهرات بی‌فایده و مهوعش چشم پوشی کنیم. اما هیهات که تفاوت میان اندیشمندی و خردگرایی، با توهمندی و خرافه پرستی به فاصله‌ی عمر آدمی است.

در ماه رمضان امسال، به سان سالهای پیش باز هم رسانه‌های گفتاری و تصویری در همین زمینه تحقیق خلائق را به سرحد تنگ رساندند؛ و در موقعی که به مراسم افطار و سحری مشهور و معروف است، سنگ تمام گذاشتند و از پخش کردن هرگونه دعا و ندب و خواندن شعر عربی و «طلب استغاثه و استغفار و تقبل عبادت»، به درگاه خدای نامعلوم و نامفهوم ذره‌ای کوتاه نیامدند. اذان مغرب، دعای ریتا، ذکر یادآوری شبهای قدر و... همه ارجایی بودند که مدعیان جدائی دین از حکومت و دولت در آینده‌ی ایران، با دست و دلبازی تمام برایش سنگ تمام گذاشتند تا عمال حکومت اسلامی و فقیهان ایران را که در شهر سنتنچ کردستان نوجوان چهارده ساله‌ای را به جرم روزه خواری انقدر تازیانه زده‌اند که در زیر دست دژخیمان اسلامی جان باخته و مُرد است، خوشنود سازند.

آری، ما در این طرف زمین برای خوشایند خدای همان آخوندها همان حرکاتی را انجام می‌دهیم که در ایران اسلامی مرسوم و اجبار است. آقایان و خانم‌های رسانه‌دار، این اعمال شما هیچ گونه ساختی با

داعیه‌تان که خواهان جدائی دین از حکومت هستید ندارد. این تظاهرات شما درست خواسته و آرزوی آخوندهاست. آخوندها هستند که رادیو، تلویزیون و حتا کامپیوتر را هم به خدمت دین گرفته‌اند و ۱۷ جلد مزخرفات بزرگترین احمد تمام دوران‌ها یعنی ملاباقر مجلسی را به حلقوم کامپیوترهای فیضیه‌ی قم فروکرده‌اند.

اما در امریکا و دیار فرنگ، شمانیز همان نیت را عملی می‌کنند و از طریق ماهواره همان ارجیف را به روشنی دیگر، به شنود و دید مردم می‌رسانند و خوشنودی همان جنایتکاران در درون ایران را فراهم می‌سازید؛ کار کرد شما نشان میدهد که شما فربیکارید. زیرا در همان حال که نه ردای خاخام و کشیش و ملا و مبلغ بهائی را بر تن و نه الزامی بهاین کارها دارید؛ و در همان زمان که در گفتار تان و یا از راه خامه تان دم از جدائی دین از ارکان زندگی اجتماعی زده و آن را احوال شخصی فریاد می‌زنید، رادیو و تلویزیون‌ها و دست نوشته‌هایتان را به محراب مسجد و کلیسا و کنست تبدیل کرده‌اید! شما با این رفتار و کردار تان، خواسته و ناخواسته مبلغانی برای ادیان شده‌اید؛ تنها به این نیت تجاری که معتقدان صاحب حرفة و فروشندهای کالا، در مقابل این خوشخدمتی به شما آگهی بدنهند و کسبتان را پُر رونق سازند؛ و شاید گوشی چشمی هم به آن قوم‌الظالمین برای روز مبادا داشته باشد.

ماه رمضان، عید رمضان و عید قربان که پایه‌اش بر روی ناسیونالیسم عربی است و یا تولد و مرگ سران اقوام عرب عربستان، به من فارس و گُرد و لُر و گیلک و آذری چه ربطی دارد تا برایشان شادی کنم و یا نوحه سردهم...

هنگامی که با این رهبران خودساخته‌ی جامعه‌ی برون مرز از کژی اندیشه و ناروانی‌ی این گونه زهر پراکنی‌ها سخن می‌گویید، پاسخشان این است که: اینها اعتقادات مردم است و باید به آن احترام گذاشت!! سد البتة، این پاسخی ریاکارانه و پُر از خدوع است؛ زیرا نخست اعتقاد هر کس به خودش مربوط است و وظیفه‌ی شما نیست که برایش دهل و سُرنا بزنید، دوم اینکه وظیفه و رسالت رسانه‌های گروهی در ارشاد مردم چه می‌شود؟ مگر غیر از این است که نخستین و بزرگترین و بهمترین مأموریت و رسالت رسانه‌ها، روش‌نگری و رهمنوی مردم به سوی اندیشه‌ی نیک و خردگرایی است؟ آیا اشاعه‌ی خرافات و تمجید از رسوم عهد شترچاری و تهنيت و تسلیت گفتن برای کسانی که سیزده قرن پیش در جنگی خود خواسته کشته شده است آن هم از طریق آخرین کشفیات علمی یعنی ماهواره‌ها و کامپیوتر تحقیق مردم نیست؟ آیا پخش آگهی کسانی که کاروان به حج و کربلا و سوریه برای زیارت قبور اعراب بادیه می‌برند و یا تبلیغ برنامه‌های بنیادهای مذهبی که با تبلیغ مجانی بودن شام و ناهار مردم را بسوی خود می‌کشند، فریب آدمی و خدمت به تفکر آخوندی نیست؟

خانم‌ها، آقایان، شما با تبلیغ برای هر دینی، به گمراهی مردم می‌افزایید و اشاعه دهنده خرافات و موهومات می‌شوید، این کارها در مسیر کار کرد حوزه‌های دینی در قم و مشهد و اصفهان می‌باشد، شما دانسته‌ی نادانسته با این کارها به میهن و مردم خود آسیب می‌رسانید، از شما خواهش می‌کنیم، لطفاً سیاست هرگونه تبلیغ برای ادیان را بهر بھایی که هست رها کنید و همانگونه که بیشتر تان ادعا دارید، دستکم سکولار باشید. و به این ترتیب بزرگترین خدمت را به هم‌میهنان خود بنمایید که از گفتاری مذهب بسلامت بیرون آیند.

پیامبران راستین و پیام آوران پنداری

نوشته: حسن - ر

نمی بینید. بر عکس پیام ها پُر از بی دانشی و گفتارهای نادرست است. به پندارانهاینا برای ساختن بدن انسان بمانند بازی کودکان روی شتهای کنار دریا خداوند خمیری درست کرد و از آن خمیر انسان را ساخت. در قرآن صدھا بار کلمات «السموات والعرض» تکرار شده است. چنین به نظر میرسد که نویسنده این دو را - زمین و آسمانها - دو بخش مساوی یا دست کم قابل مقایسه گرفته است.

دانش امروز با اندازه گیریهای علمی تخمین میزنند که زمین حدود یک ده هزار منظومه شمسی "Mass" دارد. خود منظومه ما کمتر از یک صد میلیون کمکشان ما و کهکشان ما بسیار کمتر از یک ده میلیون دستگاه آفرینش است. با این حساب زمین ما بسیار کمتر از یک در برابر ۱۲ به توان ۱۹ است و قابل مقایسه گرفتن ایندو بدان مینماند که کسی در کتاب خود صدھا بار یک شن کنار دریا را با کُره زمین مقایسه کنند.

به پندار این نویسنده پیام آوران راستین اندیشمندان هستند که با بکار بُردن آگاهی، تجربه، کوشش، آزمایش و همکاری با دیگران بدنیال پیدا کردن چرا و چگونگی های طبیعت و جهانند - که زمین کی و چگونه بوجود آمده، زمین لرزه چیست، نور و صدا چگونه حرکت می کنند، خود ردن گیاه مخصوصی چه اثری روی گردش خون دارد؛ مغز پیچیده انسان چگونه کار می کند، چه چیزی زندگی را آسان تر و دلپذیر تر می کند. اینها می کوشند رازهای طبیعت را برای ما بیاورند. اینها پیام آوران راستین اند.

میان آن پیام آوران راستین و این پیامبران پنداری تفاوت بسیار است. آنها دهه ها و قرنها می کوشند و با بهره بری از دانش های پیشین و همکاری دیگر اندیشمندان با دقت رازهای آفرینش را گام به گام، سلول به سلول، میلیمتر به میلیمتر و ثانية به ثانية بررسی می کنند، اندازه می کنند، مقایسه می کنند، گزارش میدهند و از همکاران چشمداشت بررسی مجدد و انتقاد و یا تأیید دارند. اما اینها شب می خوابند (و یا یک روز به صحراء و کوه میروند) و با آفریننده کل - که به گفته آنها همچون یک فرمانده باشکوه بسیار دانا و توانای مهریان سختگیر - و البته از جنس مرد - است، به گفتگو می نشینند، دستور می کنند، چانه میزند و حتی گاهی او را راهنمائی می کنند و سپس با شتاب بر می گردند تا پیام پروردگار را به مردم بشارت دهند. در این ملاقات تمام آگاهی های جهان را بدست می آورند، و اجازه می کنند که مرد رازنده کنند، ماه را دونیمه گردانند و صدھا معجزه دیگر برای اندازند و کسی را هم نمی شاید که گفته های او را زیر پرسش برتند.

بین این دو گروه تفاهم و سازش نیست. آنها اینان را واپس گرا و مانع پیشرفت دانش در اجتماع میدانند و اینها آنانرا دشمن پندارها و اقتدار خود می شمارند. اینست که وقتی گالیله از گردش زمین گفتگو کرد، کلیسا و نمایندگان قدر تمدن خدا او را در سال ۱۶۳۳ محکمه و محکوم و حتی به مرگ تهدید کردند. اینست که در اوائل قرن گذشته میلادی آنگاه که خواستند اولین مدرسه را در تبریز بنانند که در آن دانش های نوین بیاموزند فریاد «وادینا» از سوی دکانداران دین ایران را پُر کرده بود. اینست که زمانی که معلمی بنام Scopes در ایالت تنسی در سال ۱۹۲۵ تئوری اولوسیون را بیاموزد او را محاکمه، محکوم و

پیامبر کسی را گویند که گفته کسی را به دیگری میرساند. در روزگاران پیشین که خواندن و نوشتن برای بسیاری از کسان میسر نبود بخشی از رساندن آگاهی ها را با بکار بُردن پیامبر و پیام آور انجام میدادند. اصطلاح پیغمبر برای کسانیست که پیام خدا را برای مردمان، که بنده گان خدا خوانده میشوند، می آورند.

اکنون بیائیم با دانش و بینشی بروسی کنیم. اگر این پیامبران راستین اند دستوراتشان را بکار بندیم و اگر دروغ گویند آنها را رسوا سازیم و کوشش کنیم تا دیگران را نیز آگاه سازیم. این برسی و کوشش در کار بسیار شایسته است. گفته اند «برای اینکه جهان به بدی گراید تها کافی است که مردمان خوب کاری نکنند».

به این گفته ایراد خواهند گرفت که کمبود دانش و بینش ما می تواند به گمراهی انجامد و برسی شخصی برای ادیان و باورهای که بیش از یک میلیارد از جهانیان بدان گرویده اند یک نوع خود بزرگ بینی و اهانت به باورهای آنها است.

پاسخ ما اینست که پذیرفتن یک باور اگر از روی پیروی از دیگران باشد ارزشمند نیست. همه ما می پذیریم که هرکس در بررسی خود با خطر دوگونه گمراهی رویروست: که پیام درستی را رد کنیم و یا پیامبر نادرستی را پذیریم. در اینجا بکار بُردن دانش و بینش بهترین و تنها راه تشخیص خوبی و بدی و درستی و نادرستی باید باشد. این گفته ای نابجاست که چون بینش ما کم است آنرا بکلی بکار نگیریم. چرا آنکس که کم می بیند چشمش را به بند و آنکه کم می شود گوشش را بگیرد؟

پیام این پیامبرها بر دوگونه اند یکی دستورهای رفتار با دیگران مثل ده فرمان و پرداخت مالیاتها خمس و ذکات فرمان جهاد و غیره و دیگری پیام های چگونگی آفرینش و رازهای آن. جدا کردن این دوگونه پیام هم مفید است و هم لازم. در مورد دستورهای رفتاری مشکل مردمان از توانستن است نه از ندانستن. دانستن اینکه دروغ، دزدی، آزدند و... بد است و جامعه را پرستش و هم زیستی را مشکل می کند کار دشواری نیست.

حتی قبیله های بسیار ابتدائی که چندین هزار سال پیش از مسیح میزیستند و خداوند فرست نکرده و یا لازم ندیده بوده است که برای آنها پیامبری بفرستند نیز اینها را میدانستند و خیلی از آنها را بکار میبرندند.

اما در باره گونه دیگر پیامبران در مورد چگونگی آفرینش و رازهای آن با اطمینان می توان گفت که هیچ کدام از مدعیان پیامبری دانش و راز درست و تازه ای را بدست نداده اند. آنچه درست گفته اند تازه نبوده و آنچه تازه بوده درست نبوده است. مثلاً وقتی قرآن می گوید خورشید به دور زمین می گردد و در انتهای روز در منجلاب غرب فرو می رود نه نو است و نه درست. این پندار نادرست از ۶۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در میان «دانشمندان» آن دوران جاری بوده است. در هیچ کدام از کتابهای آسمانی یک نوشته علمی در باره رازهای آفرینش از سلول، اتم، طرز بوجود آمدن حیوانات انسان و گیاهان، ساخته ای از انسان، بیماریها و داروهای آنها، منظومه شمسی، ستاره و کهکشانها، Black Hole، حرکت سیاره ها و حتی حرکت های زمین

حقایق ضد پسری را با بیشمری کامل وارونه جلوه میدهند و برای اینکه این دروغ ها شناخته نشود آنها را دستورات یک خدائی میدانند که آن خدای دروغی هم مخلوق و دست نشانده خود آن پیامبران است. دین عقل و فکر پیروان خود را بسیار پائین می آورد و از رُشد عقلی مردم جلوگیری می کند. مذاهب تمامی نیروهای سازنده انسانی را یا خنثی می کند یا از آن میکاهند.

مذهب نمی گذارد خود مردم تصمیم گیرنده باشند بلکه عقل و فکر آنها را در حد کوکی نگه میدارد و آنها را وادار می کند بجای فکر کردن و بکار بردن عقل به معجزه و کرامت دل بند و یا پول و رشوای به دکانداران دین بدنهند تا آنها از راه توسل به امام های مُرده و به قتل رسیده و فاسد در دادگه الهی؟! از آنها دفاع و شفاعت کند و یا بجای اقدامات شخصی و سازنده و نواوری متظر یک هیولا تانی بنام امام غایب یا ماشیح یا مسیح موعود بمانند و دست روی دست بگذارند تا آن ناجیان دروغین ظهور کنند و دنیا را برای آنها گلستان کند؟!

مذاهب مردم را دائم میترسانند - در آنها وحشت ایجاد می کنند تا بتوانند خودشان تصمیم گیرنده باشند. تمامی داستان های ساختگی مذهب مثل رانده شدن آدم و حوا از باغ بهشت - طوفان نوح و تصویرهایی که از جهنم میسازند و مجازات های پس از مرگ همه اینها برای اینست که در دل مردم ترس ایجاد کنند و وقتی انسان می ترسد و دچار وحشت می شود ناچار است که پناهنگاهی بجوید و به فردی که از او حمایت می کند پناه ببرد یعنی خودش و اراده اش را در اختیار دین و دکانداران دین یعنی آخوند و ربای و کشیش بگذارد و از آنها اطاعت کند تا بتواند با ترس خود کنار بیاید.

روش فریب دیگر دین و عده پاداش های سر خرم من دروغین پس از مرگ است که همه آنها بر پایه لذات جنسی بنا شده و مردم ترسانده را باز هم بیشتر به آغوش دین و مذهب هُل میدهد.

بنابراین می بینیم که پایه و بنیان دین و روش مهار کردن افراد همه بر پایه - دروغ - فریب - حقه بازی - تهدید و ترس و پاداش های دروغین پس از مرگ بنا شده.

آیا این شایسته بشر امروز می تواند باشد که علم و دانش و فهم و آزاد اندیشی و همه ارزش های خوب انسانی را رها کند و خود را اسیر دین یعنی اسیر دروغ و فریب و اوهام بنماید؟

جزیره کردند. اینست که در سال ۲۰۰۴ مذهب بزرگترین جلوگیر از تحقیق و تجسس Stemcell است به این بهانه که این کشتن یک انسان است. این نبردها که همیشه هم جنگ سرد نبوده است هنوز هم ادامه دارد.

این نبرد میان کسانیست که تنها آنچه را میدانند می گویند، می نویسن و نشان میدهند و کسانیست که کم میدانند و بسیار ادعا می کنند. البرت اینشتین می گوید: «من هنر مخصوصی ندارم. من تنها جستجو گرم». شما بیائید این گفته را با این ادعا که خدا این کائنات را بخارط ۵ تن آفریده است مقایسه کنید و ارزش گفته ها را سنجیده در بین این دو گروه خواه ناخواه همه ما به میدان کشیده شده ایم. با کمک مالی، با شنیدن و خواندن کتاب ها و مقالات آنها، با انتخاب دوست و حتی با انتخاب نام برای فرزندانمان و... آری ما همه بخشی از این مبارزه ایم. حالا بنتظر شما در این مبارزه همراه با کدام گروه باید باشیم؟ پیام آوران زندگی یا پیام آوران مرگ؟

فریبکاری های دین را بشناسیم

از: دکتر پوراندخت

یکی از راههای آزاد ساختن افکار اسیر شده مذهبی شناختن فریب ها و حقه های مذاهب است - ما وقتی میتوانیم خود را از تار و پواد فریب فریب آلود مذهب و دکانداران دین رها کنیم که شناخت کاملی از ترفند ها و دروغ بافی های آنان بدست آوریم: مذاهب می گویند: دین پیام آورونده صلح - آزادی و برابری است؟!

ما می گوئیم دروغ می گوئید - دین آنچه را که به بشریت هدیه کرده - محدود کردن و حتی از بین بُردن آزادی است تا حدی که نه تنها آزادی های طبیعی را محدود می کند بلکه پس از مرگ هم دست از سر بشر بر نمیدارد و آنها را تهدید میکند که اگر به یاوه های دین عمل نکنید پس از مرگ هم دچار عذاب می گردید.

شما خواستنده عزیز کدام آزادی و کدام فرد آزادی خواه را سراغ دارید که برای هدیه آزادی به مردم این همه شرط، این همه ترس - این همه تهدید و مجازات قائل شود دکانداران دین می گویند: دین برای صلح و صفا و برابری اقدام می کند؟!

ما می گوئیم باز هم دروغ می گوئید - سابقه پایه گذاران و مخترعین دین یعنی باصطلاح پیامبران نشان میدهد که آنها از وسایل - قتل - جنایت - آدم کشی - و حمله به کاروان ها و غارت بوجود آمدند مثلاً موسی حتی به چهار پایان مردم مصر نیز رحم نمی کند و آنها را دچار انواع بلاها می گردانند.

- محمد را می بینیم که مثل راهزنان بیابانی به قافله ها حمله میکند. اموال آنها را غارت می کند مردها را می کشد و زن ها را برای ارضای لذات جنسی خودش و یارانش مورد استفاده قرار میدهد و عیسی نیز نمایشنامه تهدید آمیز و شکنجه اور به صلیب کشیدن را ارائه میدهد.

شما خواستنده عزیز اگر به این چند مُشت نمونه خروار توجه کنید در می باید که پایه گذار ترور و تروریسم مذاهب هستند. و مذهب با ترور و تروریسم آغاز می گردد با تروریسم پیشرفت می کند و هم اکنون نیز با تروریسم و سرکوب برجای مانده است. اما کلیه مذاهب تمامی این

یاران مادر بیداری، درود برشما

برای چند روز دیدار بهلس آنجلس آمده بودم تا از نزدیک شاهد تلاش های شبانه روزی شما یاران باشم.

در بخش، پخش بیداری، آقای جمشید آرین (علی نوری سابق) را که از یاران نخستین کانون فرهنگی خرافه زدایی هم هست، در «لس آنجلس» و «ولی» سخت کوشان و پُر کار دیدم که با چه پشتکار و تلاش «بیداری» را به دست تک تک مردم میرسانید و این کار را با شوق تمام وظیفه اصلی زندگی خود گردانیده است که جای قدردانی و سپاس دارد. و مطمئن هستم دوستان ما در کانون ارج شناس کار پُر زحمت و با اهمیت ایشان هستند.

شمال کالیفرنیا - دکتر احمد ایرانی

از: فریدون اخوان

فرهنگ کشtar یا فرهنگ زندگانی؟

مرحله خود ریایان دست به کار و کسب عمومی برده بودند فقط حق و حساب خود را می‌گرفتند ولی از این پس دست بکار کسب خانوادگی و فردی زدند و در واقع اقدام به تشکیل تراستهای تجاری کردند و از این مرحله بود که گلد کاشر وارد بازارها شد البته با افزایش قیمت‌های لازم! مگر نه اینکه بالاخره یهودیان می‌بايستی بهای اخترات، اکتشافات، مطالعات و تحقیقات ریایان را بپردازند و می‌پرداختند!

ولی آنان همچنان در فکر درآمدهای بیشتری بودند. دو ماه قبل از فرا رسیدن مهمترین روزهای یهودیان - روزهای روشن هشانا و کیبور - آنان فرمان کشtar پرنده‌گان را صادر می‌کنند و آن اینکه هر فرد یهودی به مناسب فرار رسیدن روزهای مقدس باید یک قربانی در راه خدا انجام دهد. و برای این کار دست به تبلیغات گسترده‌ای میزند هر جا که میروی آگهی‌های کشtar است برای مثال وقتی برای خرید وارد فلان مارکت در پیکو یا هر جای دیگر می‌شوید آگهی‌هایی به دیوارها و ویترین‌های معازه نصب شده که شما را تشویق به «شحیطا» کشtar می‌کنند از فروشگاه خارج می‌شید در خیابان دور و بر فروشگاه از شما برای «شحیطا» مطالبه پول می‌کنند در جلوی در معازه میز و صندلی و کارمندی پشت آن است که باز هم از شما برای شحیطا (کشtar) درخواست پول می‌کند.

اینها علاوه بر قصاب خانه بزرگی است که در داخل معازه راه اندازی شده و بفروش دائمی لاشه‌های جانوران اشتغال دارد. باید توجه داشت که در چنین روزها باید راه کارهای کاملاً متفاوتی پیشنهاد شود بدین نحو که اگر پرنده‌گانی احیاناً در قفس وجود دارد بمناسبت شادی و شکر گزاری این روزها باید پرنده‌گان را از قفس رها کرده و به پرواز درآورد.

ریایان آرمانهای یهودیان را که عبارت است از: علم - فرهنگ - مهربانی و زندگی تبدیل کرده‌اند به شکم کاسپی، سلاخی قربانی و قساطت قلب. حیوانات در تمامی طول تاریخ یار و یاور همراه و همگام بشر بوده‌اند آنان در دوران دامداری نقش کلیدی در راه اندازی زندگی داشته‌اند. پس از کشت کشاورزی نیز همچنان تکیه گاه مهم و مطمئن انسان‌های اولیه بودند با گسترش روند تکاملی زندگی انسانها و حیوانات بهم نزدیک تر شدند و با یکدیگر آشنا کردن اکنون تمامی حیوانات را می‌توان آموزش داد و اهلی کرد.

مبارزه با کشtar حیوانات مبارزه با افراط گرائی و خرافات است. مبارزه با فرهنگ کشtar است، مبارزه با قدرت مالی آنانی است که پول ما را می‌گیرند تا بین ما و سایر ملت‌ها حدایی بیاندازند. تا بین ما و سایر دیدگاهها دوری بیافکنند. تا ما را از فرزندانمان دور کنند. در روزهای شادی، خروس‌ها را با پرهای رنگارنگشان، و کاکولهای افراشته شان کبوترها را با پرهای سفیدشان و بدن‌های ظریفشان بدست بچه‌ها بدھید؛ تا با آنها بازی و شادی کنند و آنها را رها کنند؛ و همراه آنها به آسمانها پرواز کنند! آقایان لطفاً دست از کشtar بردارید، راستی چرا مذاهب این همه از خونریزی و کشtar خوششان می‌آید؟

پیدایش و پایه آئین یهود براساس ده فرمان موسی بنا شده است. هر دستوری که بنام آئین یهود صادر شود؛ و با این ده فرمان در تضاد باشد؛ دستوری است برخلاف آرمانهای موسی؛ و غیر قابل اجرا می‌باشد.

یکی از فرمان‌های دهگانه این است که کشtar نکن. این فرمانی است: عام: رُك و روشن. بدون پیش وند و پس وند یعنی این دستور شامل تمام انسانها تمام موجودات زنده؛ از جمله تمامی حیوانات هم می‌شود. این یک دستوری نیست که بتوان به میل خود آنرا تغییر داد. این دستور اجازه قتل هیچ موجود زنده‌ای را نمی‌دهد. خواه انسان خطاکار و خواه حیوان بی دفاع و بی زبان را.

فرمان خود داری از کشtar با صراحتی که دارد. توضیحاتی هم در سایر فرمان‌ها در باره آن داده شده است.

و آن اینکه حیوانات هم مانند انسان‌ها باید آزار بینند. باید کار خارج از توانایی از آنها کشید. هفته‌ای یکبار باستی استراحت کنند... و اما، ریایان تمام این صراحت‌ها را زیر پا نهاده و فرمان کشtar بیرحمانه چارپایان و پرنده‌گان را صادر کرده‌اند و این کشtar را تبدیل به یک کار و کسب بزرگ و پُر منفعت در آورده‌اند. برای چگونگی کشtar، دستور العمل‌های مذهبی تعیین نموده‌اند. اینکه حیوانات را موقع کشtar چگونه معاینه کنید چگونه نگاهداری‌دید، چگونه بخوابانید، چگونه کارد را به روی گلوی آنها بکشید تا مورد قبول پروردگار واقع شود. آنان می‌گویند اگر دستور العمل‌های ما اجرا نشود خوردن آن گوشت حرام است و کاشر نیست و برای اینکه معلوم شود گوشت گوستند و مرغی که می‌خورید کاملاً مطابق دستورات ما ذبح شده باید زیر نظر خود ما صورت گیرد!

و قیمت آن هم باستی دو تا سه برابر قیمت بازار بوده تا مورد موافقت ما قرار گیرد!

پس از اینکه این طرفند جاافتاد ریایان برای کسب درآمد بیشتر دست به اقدام دیگری زدند و آن اختراع گوشت گلد کاشر بود که باز هم البه می‌باشی زیر نظر خود آنها صورت گیرد و آن هم با اضافه کردن مجدد قیمت - به میزان ۲ تا ۳ برابر دیگر اگر از هر کدام از این ریایان سوال کنید این گلد کاشر دیگر چه صیغه ایست جوابی برای شما ندارند و یا به تعداد ریایان موجود جوابهای متفاوت دریافت خواهید کرد.

پس از اینکه مرحله دوم هم به موفقیت انجام شد آنان دست به اقدامات تازه‌ای برای گسترش کسب پُر درآمد خود زدند و گوشت‌های تازه‌ای با برچسب‌های تازه‌ای وارد بازار کردند مانند گوشت تمام‌اگلد کاشر مطلقاً گلد کاشر صد درصد گلد کاشر پس از اینکه مرحله سوم هم به خوبی و خوشی به موفقیت انجامید و آنان ظرفیت گول خوردن و حرف پذیری جامعه را محک زدند و متوجه شدند که امکانات دوشیدن و تحمیق بیشتر از یهودیان امکان ندارد، دست به اقدامات تازه‌ای زدند متنها این بار یک تحول کسبی تازه صورت گرفته بود و آن اینکه تا این

«دین چیست؟»

الف - مینا (مسلمان زاده)

دوستان گرامی در نشریه «بیداری»

بر شما شادباش و درود می فرستم که در فضای خفه دین باوری و مذهب زدگی نشریه «بیداری» را انتشار میدهید. این شاهامت را دارید که پا روی دُم آدم های خرافی و متعصب دین زده بگذارد و از تهدیدها و ارعاب های احتمالی آنها باکی نداشته باشید. من تنها یک نسخه از «بیداری» مورخ مارچ ۲۰۰۴ بدستم رسید و از خواندن آن دلم خنک شد. آه و افسوس که این رسانه های ایرانی با همه دشمنی که ظاهرآ با جمهوری اسلامی دارند در جهت خرافه زدائی کاری نمی کنند و خود مبشر واژه هائی چون تاسوعا و عاشورا و عید نظر و عید غدیر، ضربت خوردن و شهادت و غیره هستند و شاید هم خودشان آفت زده مذهب هستند. امید است مطلب تقدیمی اینجانب سودمند افتد.

ارادتمند: الف - بینا

۲۰۰۴ نوامبر ۱۶

دین یک امر تحمیلی و اجباری است. هیچ کس دین خود را انتخاب نمی کند بلکه دین به او داده می شود و تحمیل می گردد. در واقع آدمی با دین پدر و مادر به دنیا می آید. مثلاً من در خانواده مسلمان به دنیا آمدم بنا بر این مسلمان شدم اگر در خانواده مسیحی بدنیا می آمدم مسیحی میشدم...

از روزی که بچه به دنیا می آید مغز شوئی دینی شروع می شود. مراسم و آئین مذهبی، دعا و کتاب مذهبی تعلیمات مذهبی، اصول دین، فروع دین، پیغمبر، امام، گناه، صواب، جهنم، بهشت، خدا، رسول، زیارت، نماز و با هزاران واژه از این دست گوش او را بمباران می کنند و ذهن پاک و معمصون بچه را انبیا شته می کنند سایه ای که این دین پیامبر، محمد بن عبد الله را جانشین خداوند در روی زمین میداند، که آن خدا چنین پیامبری هم باید داشته باشد، در بخش نبوت جانشین های پیامبر، امام ها هم پس از پیامبر جانشین خدا هستند و باید اوامر آنها را هم اطاعت کرد «اطیع الله و اطیع الرسول و اولی الامر منکم» بدین ترتیب مسلمان ها از خدا، گماشته خدا و صاحبان امر باید اطاعت کنند که پس از امام ها آیت الله ها و حجت الله ها صاحبان امر در روی زمین می شوند و با دیکاتتوری تمام هر غلطی بخواهند می کنند، پدر امت را در می آورند، زیرا که آنها جانشینان فرستاده خدا هستند. بخش بعدی معاد است، که شاید از همه اصول دیگر مضمون تر و خنده دارتر است، بمحض این اصل مسلمانان در روز قیامت دوباره زنده می شوند تا حساب پس بدنهن (Audit) و پس از شفاعت امام هایی که در آن روز به دلالی و پارتی بازی مشغول اند عده ای به بهشت و عده ای هم به جهنم میروند که در این مورد دکانداران دین برای ترساندن مردم و دوشیدن از آنها نمایشنامه بسیار مفصل و رنگارنگی ساخته اند و چه بسیار آدم های عوام و برخی خواص هم آن را باور کرده اند. عدل هم چهارمین اصل اسلام است. که اصل بامسمای است! کدام عدل، در چه مورد، در کجا و کی؟

این خدایی که مبادران اسلام معرفی می کنند یک دیکاتتور به تمام معنی است، درست همانند صاحبان امر روی زمین! که ظلم را به نهایت رسانده اند، آیا خدا عادل است که به یک نفر همه چیز میدهد و به دیگری هیچ؟ یکی ضعیف است و یکی نیز و مند، یکی باهوش تر است و دیگری بی هوش، یکی زیباتر است و دیگری زشت... میرسیم به پنجمین اصل، امامت، یعنی اینکه بعد از پیامبر که فرستاده خدا است کسان دیگری به عنوان امام جانشین پیامبر می شوند که در فصل نبوت از آن سخن رفت، دوازده تا این امام ها از یک خانواده بطور ارشی جانشین پیامبر آمده اند که البته دوازده همی رفته است جایی و هنوز برنگشته که می گویند روزی مانده در صفحه ۹

این دشمنی و عداوات هنوز که هنوز است بجای آنکه از میان برود، هر روز آتش آن تندتر می شود و شیعه مذهبان چشم دیدن سنی مذهبان را ندارند و بالعكس. در کرمان فرقه ایست بنام شیخیه که مسلمان شیعه هستند و گروه دیگری بنام «بالاسری» که آنها هم شیعه هستند. دو گروه از قدیم و ندیم با هم دشمنی داشته اند و چشم دیدن یکدیگر را ندارند. دشمنی آنها هم ظاهرآ از این بابت است که شیخی ها معاد عناصری را قبول ندارند یعنی می گویند در روز قیامت فقط روح آدمها است که در برابر عدالت الهی قرار می گیرد و حساب پس میدهد در حالی که بالاسری ها می گویند در روز قیامت آدمها با همین قیافه و شکل که مُرده اند دوباره زنده می شوند و به اصطلاح معاد عناصری را قبول دارند و خلاصه بر سر هیچ و پوچ با هم جنگ و دعوا دارند. این تنها کوچکترین و ساده ترین اختلافی است که باورمندان همدين با هم دارند، خودتان حساب کنید که موارد اختلاف مردم با دین های متفاوت چقدر زیاد و غیر قابل حل می باشد.

بدینیست چند مرد پنداموز، خنده دار و بی هدف و بی معنا را از گوش یک دین برایتان بطور خیلی خلاصه بیان کنم، اصول دین اسلام توحید و نبوت و معاد و عدل و امامت است.

در توحید مسلمانان خدایی نیست جز خلایی یگانه (الله)، این خدا هر کاری که دلش خواست با بینه خود می کند، هر بدیختی و گرفتاری داشته باشیم کار همین خداست و باید آن را قبول کنیم، میلیونها آدم گرسنه و بیمار و عقب مانده در افریقا و آسیا وجود دارد که این خدا کاری به آنها ندارد و ما باید آن را قبول کنیم بعد از توحید نبوت است که این هم شاهکار دین سازان و دکانداران دین است. نبوت، بیمار، محمدبن عبدالله را جانشین خداوند در روی زمین میداند، که آن خدا چنین پیامبری هم باید داشته باشد، در بخش نبوت جانشین های پیامبر، امام ها هم پس از پیامبر جانشین خدا هستند و باید اوامر آنها را هم اطاعت کرد «اطیع الله و اطیع الرسول و اولی الامر منکم» بدین ترتیب مسلمان ها از خدا، گماشته خدا و صاحبان امر باید اطاعت کنند که پس از امام ها آیت الله ها و حجت الله ها صاحبان امر در روی زمین می شوند و با دیکاتتوری تمام هر غلطی بخواهند می کنند، پدر امت را در می آورند، زیرا که آنها جانشینان فرستاده خدا هستند. بخش بعدی معاد است، که شاید از همه اصول دیگر مضمون تر و خنده دارتر است، بمحض این اصل مسلمانان در روز قیامت دوباره زنده می شوند تا حساب پس بدنهن (Audit) و پس از شفاعت امام هایی که در آن روز به دلالی و پارتی بازی مشغول اند عده ای به بهشت و عده ای هم به جهنم میروند که در این مورد دکانداران دین برای ترساندن مردم و دوشیدن از آنها نمایشنامه بسیار مفصل و رنگارنگی ساخته اند و چه بسیار آدم های عوام و برخی خواص هم آن را باور کرده اند.

عدل هم چهارمین اصل اسلام است. که اصل بامسمای است! کدام

این خدایی که مبادران اسلام معرفی می کنند یک دیکاتتور به تمام معنی است، درست همانند صاحبان امر روی زمین! که ظلم را به نهایت رسانده اند، آیا خدا عادل است که به یک نفر همه چیز میدهد و به دیگری هیچ؟ یکی ضعیف است و یکی نیز و مند، یکی باهوش تر است و دیگری بی هوش، یکی زیباتر است و دیگری زشت...

میرسیم به پنجمین اصل، امامت، یعنی اینکه بعد از پیامبر که فرستاده خدا است کسان دیگری به عنوان امام جانشین پیامبر می شوند که در فصل نبوت از آن سخن رفت، دوازده تا این امام ها از یک خانواده بطور ارشی جانشین پیامبر آمده اند که البته دوازده همی رفته است جایی و هنوز برنگشته که می گویند روزی مانده در صفحه ۹

خیال‌باف بیش نبود، سالها شب و روز نشست و با ضرب و جمع و تفیریق و تقسیم چیزی‌هایی در آورد که همه ساختگی و همه بدون خاصیت بود. شما نه تنها قرآن بلکه هر کتابی را، حتی کتاب تولدی دیگر آقای شجاع الدین شقا را که امیدوارم خوانده باشید بدست بگیرید و وقت بگذارید و روی چند واژه دنبال مناسباتی بگردید. به همان نتیجه میرسید که خلیفه شما رسید.

فرض کنیم که ادعای رشاد خلیفه که بعد از ادعای پیامبری کرد و آخر سر هم ترورش کردند درست باشد، بسم الله الرحمن الرحيم ۱۹ نوزده حرف داشته و الله ۲۶۹۸ بار (۶X۱۹) در قرآن شمارش شده باشد، که چه؟ بقول انگلیسی زبان ما what، این ضریب های نوزده در یک کتاب دینی چه سودی عاید باورمند و خواننده آن می‌کند، چه نیروی اضافی به خود کتاب داده است، چه عدالتی را بین انسانها سبک‌گردیده، چه گلی به سراسل زده است و چه موقوفیتی نصیب مسلمانها کرده است؟ اگر همه قرآن یک کتاب ریاضی هم باشد چه ارزشی بیشتر از کتابهای ریاضی دیگر دارد، اگر چند واژه را در قرآن به ضرب و زور پیدا کرده‌اند که مناسبات ریاضی بینشان وجود دارد هزارها واژه هم در قرآن هست که هیچ رابطه‌ای با هم ندارند.

رشاد خلیفه مانند بیشتر مسلمانان که دروغ (تفیه) و ریاضی اساس زندگی شان است در کار بسیار بیهوده خود تقلب کرده و در جاهایی که حسابش درست از کار در نیامده «حساب‌سازی» کرده و با حقه و کلک رقم مورد دلخواه خود را بیرون کشیده است. یکی از پژوهندگان مشهور قرآن دکتر محمود روحانی نویسنده، فرهنگ و فهرست قرآن در سه جلد کتاب فرهنگ آماری قرآن بنام «المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم»، چاپ شده در مشهد در بررسی دقیق اخیر خود غلط‌ها و دروغ‌های رشاد خلیفه را فاش کرده است و شمارش‌های ساختگی رشاد را بیرون آورده است.

اگر شما نمیدانید، بدانید که رشاد خلیفه معتقد بود نام او (رشاد) را از قرآن حذف کرده‌اند و ادعای دیگر رشاد این است که مرا به جایی در آسمان بردنده به عنوان رسول میثاق خدا به همه پیامبران معرفی شوم، پیامبران یک یک بطرف من امتد، بصورت من نگاه کردن، سپس سرشان را به علامت تصدیق تکان دادند!!

رشاد خلیفه تاریخ این سفر به نزد خداوند و دیدار با پیامبران دیگر را طوری تهیه کرده که حتماً ارتباطی با عدد نوزده پیدا کند، یعنی دقیقاً حساب‌سازی کرده و شما آن را معجزه قرآن نام می‌گذارید. رشاد میخواهد ثابت کند، نام رشاد و خلیفه با مضربی از ۱۹ در قرآن آمده است که پیامبری او را باور کنیم.

از شما می‌پرسیم، خداوندی که سراسر قرآنش پُر از اشتباہات بزرگ ریاضی است، چگونه و بچه دلیل خواسته عدد رمزی را در لابلای قرآن وارد کند، اصلاً چرا رمز؟ این خدا، برای آزار دادن و امتحان کردن ریاضیات انسان آمده یا برای لذت بخشیدن از زندگی؟

خداوند عالم در قرائش حتی روزهای بوجود آمدن زمینش را توانسته یک جور بتویسد جایی آن را در ۶ روز و جایی ۸ روز نوشته است!

در مورد سهم اirth که به عدد و رقم مربوط میشده چندین جا اشتباہ فاحشی کرده است، به سوره نساء آیه های ۱۱ و ۱۲ و ۱۷۶ در چگونگی تقسیم اirth و در سوره عود آیه ۷، فرقان آیه ۵۹، فصلت آیه های ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ در باره تعداد روزهای ساختنی جهان نگاهی بیاندازید. کتابنویسی که نمیداند بین زمین و هوا (آسمان) ستونی نیست، نمیداند چه سیاره‌ای به دور چه سیاره دیگر میچرخد و از علم هیچ چیز نمیداند و از آینده کوچکترین خبری نمیدهد، حالاً چطور با ریاضیات که علم است حرف خود را آن هم بطور رمز بیان می‌کند این

آقای پشتیبان اسلام (چون نامش را در پایین نامه های خود نمی‌نویسد ما هم نمی‌نویسیم) کوتاه شده نامه‌اش را در شماره ۷ بیداری نوشتیم و پاسخی هم دادیم، نامه دوم و سومی هم با لحنی عصبانی تر برای ما فرستاده‌اند و باز هم ده ها آیه از قرآن برای مثال و اثبات گفته‌های خود آورده‌اند که باز هم جای درج همه آنها را نداریم، ایکاش ایشان بجای قرآن از منطق و خرد خود بهره می‌گرفت و به ما پاسخ میدادند از کتابی که یک سوره تقریباً کاملش را در این شماره می‌نویسیم تا آنها که قرآن را تاکنون نخوانده‌اند بدانند این کتاب، چه محتوایی دارد. ما از ایشان پرسیده بودیم آیا خداوندی که این همه پیامبر و کتاب برای تأمین سعادت بشر فرستاده و آرزوی دنیای بدون ظلم و فقر و فساد و جهل کرده است در کار خود موفق بوده و به آرزوی خود رسیده است یانه.

ایشان در دو نامه بعدی پاسخ داده‌اند که «اگر اهل تحقیق بودی! و دو کتاب از دکتر رشاد خلیفه و عبدالله اریک را با دقت می‌خواندی (با همین لحن و کلمات) پی میردی که قرآن کار محمد بی سواد نیست، قرآن وحی الهی است و دیگر چنین سوالی را نمی‌کردی. خداوند خواسته جهان را به این صورت و با این قوانین بیافریند (اگر خداوند چنین خواسته که ما نباید سعی کنیم جهان را بشکل دیگری درآوریم)، خدا پیغمبران را برای این فرستاده که خود انسان‌ها دنیایی بسازند که در آن عدالت حکومت کند نه زور (پس پیغمبران موفق نبودند، که این نامنوفیتی باز بر می‌گردد به خدایی که این پیغمبران را برای کار ویژه‌ای فرستاده بوده است) قرآن می‌گوید مدح و ثنا فقط اختصاص به خدا دارد، در تمام قرآن کلمه «حمد» فقط در مورد خدا به کار رفته است، اگر متوجه این نکته شده باشی متوجه ارزش تعالیم اسلام خواهی شد» (نه)، از این سفسطه چیزی سر در نمی‌آوریم، وقتی پاسخی ندارید بدھید، میزینید به صحرای کربلا، ما پرسیده‌ایم این خدای شما در آرزوها یا مشوق بوده است یانه.

آقای پشتیبان خدا و اسلام و قرآن می‌نویسد: «اگر خود را اهل مطالعه میدانید دو کتاب معجزات قرآن و ورای احتمالات از دکتر رشاد خلیفه و عبدالله اریک را بخوانید که میدانم آن را مطالعه نخواهید کرد، چون روی تمام بهانه جویی‌های شما خط قرمز می‌کشد و شما را متوجه می‌کند که قرآن کلام محمد نیست و کلام خدا است» (بدتر شد، ایکاش می‌گفتید کلام محمد است و محمد هم انسان بود، انسان هم اشتباه می‌کند، و آن وقت بود که این کتاب کمی ارزش پیدا می‌کرد و یا میفرمودید که آرزو کردن یک خواست انسانی و مادی است، و تمام سخنان و آرزوهای در قرآن آمده امیال خود محمد بوده است نه خداوند، آن وقت میشد روی سخنان شما و منطق شما ارتباطی پیدا کرد و احتمالاً در بعضی موارد به توافق هایی رسید).

آقای پشتیبان اسلام، ادامه داده است، «شما اگر دو کتاب معجزه های قرآن و ورای احتمالات را می‌خوانید و به معجزه عدد ۱۹ در قرآن پی میرید آن وقت می‌فهمیدید که قرآن کلام خداست، اگر شما توانستید ۴ کلمه مثل بسم الله الرحمن الرحيم بسازید که لاقل ۱۹ رابطه ریاضی داشته باشد یا ۷ سخنرانی بکنید که «ح و م» آن ضریب ۱۹ داشته باشد. پایان

دوست گرامی، دکتر رشاد خلیفه مصری معلم شما، ساکن آمریکا که فرضیه عدد نوزده و ریاضیات را در قرآن پیش کشید و به جهان مُردِه اسلام یک آمپول اکسیژن تزریق کرد از نمد اسلام کلاههای متعددی برای خود و یارانش ساخت تا برای چند صباح دیگر ساده‌اندیشانی را واله و شیدای اهمیت قرآن و اسلام بکنند، این مرد جز یک بیکاره

اتفاقاً این ادعای مسلمانان درست است که: هیچ کس نمی‌تواند یک آیه مانند آیه‌ای از قرآن بیاورد

یکی از سوره‌های مهم قرآن سوره انبیاء را موبه مو، بدون کم و کاست از اول، ۲۵ آیه‌اش را می‌نویسم (بیشتر از این جا نداریم) تا به بینیم هیچ انسان عاقلی می‌تواند یک جمله مانند این جمله‌های بی‌سر و ته، بی‌معنا، با غلط دستوری و با غلط انشایی و صفحه پُرکنی را بنویسد. اگر شما می‌توانستید چنین جمله‌هایی را در نامه‌ای که به کسی می‌فرستید بنویسید و او شما را بیمار نخواند، مسلمان‌ها درست می‌گویند! هیچ کس نمی‌تواند یک سطر مانند قرآن بنویسد سوره انبیاء - آیه اول - به حساب مردم نزدیک شده ولی آنها در غفلت و از آن روگردنان می‌باشند - آیه دوم - هیچ تذکر تازه‌ای از جانب خدایشان برای آنها نمی‌آید مگر اینکه آن را می‌شنوند و به بازی می‌گیرند!! - آیه سوم - دل هایشان سرگرم است، افراد ظالم آهسته در گوش هم می‌گویند آیا این غیر از بشری مثل شماست. آیا در صورتی که می‌بینید دچار سحر می‌شوید!! - آیه چهارم - پیغمبر گفت خدای من از هر سخنی در آسمان و زمین آگاه است او شنوا و دانا است. (معلوم نیست این آیه که مثلاً باید کلام خدا باشد از دهان که در آمده است، خدا، پیغمبر و یا شخص دیگری) - آیه پنجم - یا اینکه گفته خوابهای آشفته پریشان است! شاید آنها را خودش سر هم کرده یا شاعر است. باید معجزه‌ای همانطور که پیغمبران گذشته داشتند برای ما بیاورد - آیه ششم - قبل از آنها شهرهای را که ایمان نیاورند! نابود کردیم آیا آنها ایمان می‌آورند!! - آیه هفتم - ما قبل از تو پیامبرانی فرستادیم که به آنها وحی می‌کردیم. اگر نمیدانید از کسانی که از کتابهای پیامبران گذشته اطلاع دارند پیروی کنند! - آیه هشتم - پیامبران را افرادی که غذا نخورند ناساختیم و عمر جاویدان نداشتند!! - آیه نهم - و وعده‌ای که به آنها دادیم عملی کردیم و آنها و هر کسی را که می‌خواستیم نجات دادیم و زیاده روی کنندگان را هلاک کردیم! - آیه دهم - برای شما کتابی نازل کردیم که در آن صحبت شماست. آیا عقلتان را بکار نمی‌برید! - آیه یازدهم - شهرهای زیادی را که ظالم بودند نابود کردیم! و بعد از آنها قوم دیگری را بوجود آوردیم - آیه دوازدهم - چون عذاب ما را احساس کردند از آن فرار می‌کردند. - آیه سیزدهم - فرار نکنید و پیش نعمت هائی که بشما داده بودیم و به خانه هایتان برگردید تا از شما بازخواست شود!! - آیه چهاردهم - گفته شد وای بر ما، ما ظالم بودیم. آیه پانزدهم - همیشه حرف آنها این بود تا وقتی که آنها را از بیخ درو کردیم و خاموش شدند. آیه شانزدهم - آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنهاست را به بازی خلق نکردیم - آیه هفدهم - اگر سرگرمی می‌خواستیم و اگر تصمیم این کار را می‌گرفتیم خودمان آن را انتخاب می‌کردیم - آیه هجده - بلکه حق را روی باطل می‌اندازیم تا آن را از بین ببرد. باطل از بین رفتنی است ولی وای بر شما بخاطر این حرف هایی که می‌زنید - آیه نوزدهم - تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند مال خدا می‌باشند و کسانی که پیش او هستند تکبری در عبادت او ندارند و خسته هم نمی‌شوند. آیه بیست - شب و روز تسبیح خدا را بجای اورنده در این کار سستی نمی‌کنند - آیه بیست و یکم - آیا معبودهایی از زمین برای

کتاب آنچنان بی محظوا، بی پیام و بی ارزش است که البته باید شما بدنبال مستمسکی باشید که دیرکی برای این کوه کاغذی گردد و آن را سرپا نگه دارد، تنها معجزه قرآن همین است که شما با فروش آن به زندگی خود در کشور کفار ادامه میدهید و رجز می‌خوانید، البته قرآن معجزات دیگری هم دارد که به ناآگاهان چنان قدرتی میدهد که بتواند سر انسان را هم مانند سر غوغ با یک ضربه شمشیر از بدن جدا کنند، و از این گونه معجزات در قرآن فراوان دیده می‌شود که پیدا شدن عدد نوزده در جایگاه قرآن بی خاصیت ترین معجزات آن است.

بالاخره نفرمودید، خداوند شما با دوازده امام اصلی و صدھا امام بدله بهمراه یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر دیگرش و زحمتکشان و مخلصان دیگری مانند شما، در آرزوها و خواستها و اوامرش موفق بوده است یا نه؟

اگر مرگ انسان دست خداست

و مرگ نزدیک به ۲۰۰ هزار نوزاد، خردسال، نوجوان، جوان و پیرمرد و پیر زن که در زلزله اخیر آسیای جنوب شرقی به فجیع ترین شکل ممکن ظرف چند ساعت، خنث شدند، تکه پاره گردیده، زیر آوار ماندند و گم و گور شدند، به دست خدا بود، باید گفت عجب خدای ظالمی عجب خالق بیرحم و بی مروتی، سنگدل و کم ظرفیتی و عجب دشمن زندگی و بشریتی. آرزوی مرگ چنین خدای خشمگینی ضد بشری را، افراد مذهبی باید سرلوخه دعاهای روزانه خود قرار بدهند این خدا نیست به قول سیرجانی ازدهاست.

«دین چیست؟» مانده از صفحه ۷
برخواهد گشت! از یازده امام قبلی هیچ معجزی در دست نیست، کسی نمیداند که این امامان امت و عزیزان بلاجهت چه گلی بر سر مسلمانان زده‌اند که این هم قرب و قیمت دارند و گند طلا و جواهرات و... بعضی ها معتقدند امام دوازدهم همان خمینی نابکار بود که آمد و رفت و تحفه‌ای بنام تروریسم به جهان عرضه کرد، جهان را دستخوش ناآرامی و خونریزی نمود و هم اینک جانشینان او در پی تهیه بمب های اتنی و هیدر روزنی و میکربی هستند تا جهان را یکسره به نیستی و بقول خودشان به آخر الزمان برسانند.
این است اصول و اساس پنجمگانه اسلام که همه‌اش عوام‌گیری و سوء استفاده از پاکدی و جهالت مردم است اگر فرستی شد راجع به اصول و حقه بازی های ادیان دیگر هم خواهم نوشت.

این درخواست یک هفته پیش از عید قربان برای رسانه‌ها فکس شد، و خوشبختانه مورد توجه رسانه‌های ملی قرار گرفت.

عید خون

مسئولین ارجمند در همه رسانه‌های گروهی عید خون، عید تازیها مشهور به عید قربان به زودی می‌آید، رسانه‌های ایراندوست و براستی ایرانی، از گفتن شادبادی عیید سعید قربان!! (عید خون) به ایرانیان خودداری خواهند کرد، عید ایرانیان، عید نوروز است و سی، عید خون تازیها ربطی به ایران و ایرانی ندارد، عوام ناآگاه به دست شما آگاهان به آگاهی خواهند رسید. سپاسگزار توجه شما هستیم. کانون فرهنگی خرافه زدایی

برای مثال تعداد جمعیتی که در این کشور روزهای یکشنبه به کلیساها میروند همه آنها را که رویهم جمع کنید یک هزارم جمعیت مسیحی آمریکا نمی شوند. اگر شما براستی خواهان حقیقت هستید باید بیشتر مطالعه کنید، نه از روی تعصب بلکه از سر عشق به دریافت راستی‌ها.

آقای سردبیر مجله «بیداری»

- یک شماره بیداری (شماره ۷) برای اولین بار بدستم رسید، با نظرات شما هم عقیده می باشم... تمام دین ها که بر پایه پیغمبری بنا شده بدینهای فراوانی برای بشر بوجود آورده‌اند. اگر به تاریخ مراجعه کنیم می بینیم چندین میلیون انسان در اثر رقات های مذهبی جان خود را از دست داده‌اند و هم اکنون هم میدهند. غافل از اینکه همه مذاهب در اصل ضد آزادی انسان هستند.

نکته مهمی را می‌خواهم بگویم، که در مجله شما کمتر دیدم بحث شود در صورت روشن شدن مردم چه چیز دیگری جای مذهب را برای آنها خواهد گرفت.

به گمان من این عقاید مذهبی ضد آزادی می توانند با اصل Humanism Free Inquiry به نشانی ۶۶۴ P.O. BOX 14226-0664 Amherst NY 14226-0664 Sketicalinqurer و دیگری بنام

به آدرس ۷۰۳ P.O.BOX 14226-9973 Amherst NY

نویسنده که ایشان هم بخاطر داشتن مقام بالا در ایران نامش را نوشته، لیست کتابهایی را ضمیمه نامه خود کرده که در این کتابها مذاهب را در برابر علم و استدلال می گذارند و باطل بودن مذاهب را ثابت می‌کنند. خواستاران لیست با کانون تماس بگیرند و شماره FAX خود را بگذارند.

نشریه کانون فرهنگی خرافه زدایی

آی آدم هایی که خرافات چون ریسمانی به دور اندیشه هایتان پیچیده است، بی آنکه خود بدانید ریشه های جهالت و گمراهی همه حقایق راستین را در زندگی تان پوشانیده و سنتگفرشی از جهل و نادانی در برابر گام هایتان گسترده است. آی آدم ها نمیدانند، خرافات چون طناب داری به دور گردتاتان گره خورد و جریان خون حقیقت خفته در رگ هایتان را قطع کرده است. بکوشید تا باخوانند «بیداری» از خواب غفلت و بی خبری بیدار شوید. ثريا

- ای مسلمانان من نمی نویسم تا قبول کنید، من می نویسم تا فکر کنید.

۱- قرآن و آخوندها می‌گویند، خدا از روح خود در انسان دیده است.

۲- آخوندها می‌گویند، انسان تمایل دارد به خدا (اصل خود) برسد.

۳- آنها می‌گویند، خداوند بی نهایت کامل است.

با توجه به بندهای ۱ و ۲ و ۳ به این تیجه می‌رسیم که انسان طالب بی نهایت است، یعنی هیچ گاه نمی تواند محدودیت پذیر باشد. در ریاضیات هم نمی توان محدودیت پیدا کرده که عامل محدودیت باعث ایجاد «مجاذب» می شود که به ظاهر جلوی محدودیت را می‌گیرد ولی باعث ایجاد یک انحراف شدید می شود. از این رو تمامی محدودیت های اسلام نشان دهنده تناقض در این دین بوده و گویای یک دین بدون منطق می‌باشد.

فرادا - دانشجوی دانشگاه تهران

خودشان گرفتند که مرده ها را زنده می کنند!! - آیه بیست و دوم - اگر خداهایی غیر از خدا وجود داشت حتماً آسمان و زمین خراب میشد!! خدای صاحب عرش از این حرف هایی که میزند بالاتر و پاک است. آیه بیست و سوم - در باره کارهایی که می کند مورد بازخواست قرار نمی گیرد در صورتی که آنها مورد بازخواست قرار می‌گیرند. آیه بیست و چهارم - آیا معبودهایی غیر از خدا برای خود گرفتند، بگو دلیلان را بیاورید، این است حرف کسانی که با من هستند و افرادی که قبل از من بودند، بیشتر آنها حقیقت را نمی شناسند و از آن رو بر می گردانند. آیه بیست و پنجم - قبل از تو پیغمبری نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که معبودی غیر از من وجود ندارد. پس فقط مرا بندگی کنید (همه اش من، من، من) و آیه بیست و ششم - گفتن خداوند فرزندی گرفته است. خدا والاتر و از این کار برکتمند است آنها بندگان گرامی خدا هستند. پایان سوره انبیاء براستی که هیچ انسان عاقلی نمی تواند این همه منم را با چنین جملاتی بنویسد و شبیه آنها را خلق کند، اسلام و قرآن همه حرفش همین بیربطی و مغالطه (یقول خود مترجم قرآن) است و بس. اتفاقاً این سوره یکی از سوره های با معناتر است سایر سوره های حیف از خواندن و تلف کردن وقت. به سوره حج، به سوره نور، سوره قصص، سوره حشر و یا هر سوره ای که می‌خواهید، بردارید و بخوانید تا متوجه شوید که قادر نیستید یک جمله مانند آنها را بنویسید مگر اینکه علم کودکستانی و حواس پرتی داشته باشد.

قسمت هایی از چندین نامه خوانندگان

- کاری بزرگ و پُر اهمیت را که با دست خالی به دست گرفته اید، بسی تردید فرایندی مثبت خواهد داشت، کسری ها، آخوندزاده ها و کرمانی ها آثاری برایمان باقی گذارده‌اند، اکنون شفاهای، انصاری ها، مشیری ها و شماها را داریم، من نه امید بل اطمینان دارم این راه به پیروزی خواهد رسید، و هشت هزار امام زاده در گستره‌ی کشور (بتکده) مانند معصومه‌ی قم، برادرش رضای مشهد، برادر دیگر شاهچراغ شیراز و بیت‌های اعظم دیگر، علی، حسین در نجف و کربلا. امید راسخ هست که بعداً به کتابخانه تبدیل گرددند. دوستدار باقر

- سردبیر گرامی با درود فراوان - در مورد ادیان، من مطالعه فراوان داشته‌ام و اشکالات بسیاری را پیدا کرده و از سران آنان پرسیده‌ام ولی متأسفانه جواب درستی نشینیده‌ام. از شما می‌پرسم، آیا در همین مملکتی که مغزهای متفسک و تروت ها را در خود جمع کرده، آزادترین و پُر قدرت ترین کشورهای جهان است (منظورشان آمریکا می‌باشد)، کلیسا و کنیسه های فراوانی وجود ندارد که جمعیت انبوهی با ایمان محکمی به آنجا می‌روند؟ آیا همین پژوهشان متخصص اعلام نمی‌کنند که بیمارانی براثر ایمان آرامش و سلامت بیشتری یافته‌اند، و حتی من خود معجزات فراوانی از درگاه مسیح دیده و می‌بینم، می‌توان بر همه آنان خط بطلان کشید؟ و در پایان نامه این آقای محترم که نامش H.H ح را هم نوشته است داستانی از فضیلت مسیح آورده و در پایان از ما پاسخ خواسته است.

افسوس که صفحات کم بیداری جای پاسخ برای پرسش های بسیار ابتدایی این آقا نمی دهد، تنها سخنی که به این خواننده گرامی باید بگوییم آنست که هیچ کدام از ادعاهای شما در این نامه درست نیست.

دروغگویی در سرشناسی اسلام و مسلمانی است

دروغگویی و خشونت از آموزش‌های قرآن است

چند نمونه کوچک از دروغ‌های دینی

از: سهند - پاریس

آمریکائی‌ها در صدد کشتن امام زمان هستند (دروغ)

یکی از امامان جمعه در عراق ادعای کرد است افسران ارتش آمریکا در عراق، در صدد کشتن یا بازداشت امام زمان هستند. آمریکایی‌ها از قیام مهدی موعود وحشت دارند. در هنگامی که آمریکایی‌ها مرا بازداشت کردند، از من سراغ جای زندگی امام زمان را می‌گرفتند و برای این کار مژده‌گانی هم پیشنهاد کردند!

در ایران زندانی سیاسی وجود ندارد (دروغ)

رئیس قوه قضائیه یکی از آخوندگان بالا مرتبه در جمهوری اسلامی در یک مصاحبه با کمال بیشمری گفته است، در زندان‌های ایران زندانی سیاسی وجود ندارد، حتی اگر یک زندانی بلا تکلیف هم باشد روز قیامت باید پاسخگو باشیم (این آخوند خیلی خوب میداند که نه قیامتی و نه مجازاتی هست که به این راحتی دروغ می‌گویند). آخوند ادامه داده، وضع زندان‌های کشور موجب انتخاب جمهوری اسلامی است، اجرای حقوق بشر در ایران اگر بی‌نظیر نباشد کم نظری است. این دروغ‌ها زمانی گفته شده که گزارش بازرگان نهادهای بین‌المللی و حتی آمارهای سازمان زندانهای خود رژیم سخن از هزاران زندانی بلا تکلیف دارد که بسیاری از آنها بعد از تحمل انواع شکنجه‌ها و سربردن در سلول‌های انفرادی هنوز وضعشان روشن نشده است (اگر اسلام خدایی و پیامبری راستگو و راستین داشت، نخست زبان این دروغگویان را می‌برید تا بعد به تنبیهات دیگری پردازد).

ایران هرچه دارد از خمینی است (دروغ)

یک نویسنده آخوند صفت بنام ناصر پورپیرا که در جمهوری اسلامی چهار جلد کتاب نوشته می‌گوید تاریخ‌های نوشته شده پیش از صفویه تمام جعلی است، تاریخ ایران با ظهور صفویه رونق گرفت ولی نه چندان زیاد تا اینکه امام خمینی از راه رسید که ایران هرچه دارد از آن بزرگوار دارد.

امضاء امام زمان (دروغ)

یکی از سران بلند پایه اسلامی بنام آخوند مشکینی، چندی پیش گفت لیست نامزدهای دوره هفتم مجلس شورای اسلامی مورد تأیید امام زمان قرار گرفته است، حضرت امام زمان از برخی گزارش‌ها ناراحت و از برخی دیگر خوشحال می‌شود، اگر مسئله خوب باشد (یعنی به نفع آخوند باشد!) می‌فهمیم که امام زمان آن را امضاء کرده ولی اگر خوب نباشد امضانمی کند، اگر حضرت امام شاه و آمریکا را به مزیله دان فرعون ریخت می‌فهمیم که امام زمان آن را امضاء کرده

علی، همای رحمت یا همای وحشت

رحیم - شریفی

جعل اخبار، دروغگویی و تقلب با خون آخوندگان عجین شده است. از همان روز مرگ محمد عده‌ای بخاطر دست یابی به قدرت و حکومت به تحریف واقعیت‌ها پرداختند، بقول دشتی در کتاب ۲۳ سال «تاریخ اسلام جز تاریخ رسیدن به قدرت نیست، دیانت اسلام وسیله است، هدف نیست»

پس از فوت محمد و بعد از اعلام خلافت ابوبکر، عده‌ای برای رسیدن به قدرت دور علی گرد آمدند و ادعا کردند خلافت حق علی است، در حالی که علی با ابوبکر بیعت کرده و جزو مشاورین او بود و خود علی هم کلمه‌ای مبنی براینکه پیغمبر او را در غدیر خم به عنوان جانشین معرفی کرده است سخن نگفته از هزاران نفری هم که در غدیر خم حضور داشتند یک نفر شهادتی بر انتخاب جانشینی علی توسط محمد نداد، به علاوه پس از مرگ ابوبکر، علی با عمر و عثمان هم بیعت نمود و جزو مشاورین آنها درآمد، تمام داستان جانشینی علی یک دروغ بزرگ شیعیان علی است. حمله به ایران در زمان عمر توصیه علی بود که برای به دست آوردن غنائم جنگی به عمر توصیه کرد.

وقتی علی به خلافت رسید «زیادابن ابیه» برادر معاویه را به حکومت کرمان و فارس فرستاد، یعقوبی مورخ، می‌نویسد «زیاد» شورش ایرانیان را با جاری ساختن سیل خون درهم کویید، علی یک لشکر دیگر به خراسان فرستاد، نیشابور را فتح کرد و مردم را از دم تیغ گذراند. علی برای بار دوم برای خواباندن شورش ایرانیان عبداله ابن عباسی را که مردی خونخوار و غارتگر بود به ناحیه استخر فرستاد و او با کشتاری بی سابقه شورش را فرو نشاند. یکی دیگر از وحشت آفری های علی در ایران فرونشاندن شورش مردم ری بود. علی ابوموسی را با لشکری فراوان به ری فرستاد و او با بیرحمانه ترین شکل ایرانیان را از زن و کودک قتل عام کرد.

(ایرانیانی که هنوز برای این بزرگترین قاتل نیاکان ما سر و دست می‌شکنند و علی علی می‌کنند، او را همای رحمت، نور خدا و... و می‌نامند تعصب آنچنان چشم و گوششان را گرفته که نمی‌خواهند زندگی واقعی این ستمکار تاریخ را حتی برای یکبار هم شده بخواهند و به راستی‌ها برسند و برافکار خود شرمنده گردند. کتاب پژوهشی در زندگی علی را که تماماً نوشته مورخین عرب و مورخین مسلمان است باید بخوانید تا به سجایی اخلاقی این دشمن ایرانیان پی ببرید.

تاریخ تبری - مروج الذهب - دفتر منتهی الامال - ابن اسحاق - تاریخ ابن اثیر - ائمه الشیعه الامامیه فی الغلة - محمد حسین هیکل - دفتر الامام علی نوشته عبدالفتاح - حلیته‌المتقین - تحفته‌المجالس - استیحاب - بحار الانوار - دینوری اخبار الاطوال - قصص الانسیا - نفائس العیون ... و صدھا کتاب از نویسنده‌گان دیگر عرب و اروپایی با شرح جزییات، زندگی این مرد را که سراسر زشتکاری، خونریزی و ستمکاری برنا توانان است بازگو کرده‌اند. (بیداری)

دیر شدن این شماره بخاطر کافی تبودن بودجه چاپ و هزینه پست در خزانه مالی کانون بوده است، دو صورت ترسیدن کمک بروزه از سوی آنهاست که تاکنون کمک‌گرده اند احتلال متوقف شدن انتشار بیداری پس از زیاد است. قلا از شعاره آینده برازی اینکه هیچگاه کمک نکرده‌اند پیش‌چار، (بیداری)، دیگر پست نخواهد شد.

دیر شدن این شماره بخاطر کافی نبودن بودجه چاپ و هزینه پست در خزانه مالی کانون بوده است، در صورت ترسیدن کمک بوبیزه از سوی آنها که تاکنون کمک تکرده اند احتمال متوقف شدن انتشار بیداری بسیار زیاد است. فعلًا از شماره آینده پرای آنها که هیچگاه کمک نکرده اند بنناجوار، «بیداری» دیگر پست نخواهد شد.

بهای نشریه «بیداری»

ما بنیادگذاران این کانون، برای رهایی مردم ایران از بلای خرافات بدون هیچ چشم داشتی با صرف وقت فراوان کوشش می نماییم.

شما هم برای بیدار کردن افکار و آسایش فرزندان و آیندگان، در راه ارایه کار کانون و نشریه‌ی بیداری به اندازه همت والای خود، کمک مالی بفرمایید.

برای شناخت واقعی ادبیات و حقه بازی‌های این فلسفه زیانبار کتاب‌های حزوه‌های دکتر ایرانی - دکتر روزبهانی - دکتر انصاری - استاد شفا - دکتر صابری و اسانید و آقایان میرفطروس، اوحدی، پیمانی، شمشیری، معین زاده و سیامک ستوده را تهیه کنید و بخوانید.

باکمال تأسف

یک عدد ضد ایرانی دست به برپایی یک شبکه تلویزیونی اسلامی برای ما و شما ایرانی زده‌اند. باشد دید این گمراهان از کدام ره آورد اسلام و از کدام پیشرفت‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی مسلمانان می خواهند سخن بگویند از سنکسار زنان، سر بریدن از مردان، زن‌بارگی امامان، عقب ماندگی مسلمانان، تروریسم کردن ایرانیان، ریاکاری ملایان، ستمکاری حاکمان، فریب دادن جوانان و یا خودنمایی بزمجگان در لباس مفسران قرآن... این بیگانه پرستان پشت کرده به ملیت خویش و فرهنگ نیاکان، بجز تکرار قصه‌های ساختگی و دروغین از زندگی محمد و علی و حسن و حسین و یاران و یا خواندن قرآن، کتابی لبریز از خشونت و تهدید و بی محثوا و بی برahan، چه پیام و سخن دیگری دارند برای ایرانیان. تبلیغ برای اسلام، دینی جنگ افروز و نا آرام با پیروانی یکجا همه عقب مانده و ناکام، سودش فقط و فقط برای ادامه زندگی جمهوری اسلامی است با فرمانروایی‌ای دزد و غارتگر و بد نام.

تلفن و فکس بیداری 0013-320-858

فرم درخواست	<input type="checkbox"/> عضویت کانون	<input type="checkbox"/> اشتراک بیداری
Name
نام.....
Lastname
نیاز.....
آدرس.....
تلفن منزل.....
تلفن کار یا دستی.....
آدرس Email.....
مایلیم عضو کانون گردم و ماهیانه..... دلار پردازم.
مایلیم بیداری را مشترک شوم و سالیانه..... دلار پردازم
محل امضا		

اگر (بهر دلیلی) نگرانی دارید از نام مستعار استفاده کنید
از این فرم کپی بگیرید و برای ما بفرستید

شماره آینده بیداری یک شماره استثنایی
و ویژه است که قرن‌ها به دنبالش بودید.

Change Service Requested

U.S.A

San Diego CA 92192

P.O.BOX 22777

(Cultural Center For Eradication of Superstition)

C.C.E.S. 51122

